

متن پرسش

باسمه تعالی سلام علیکم -باتوجه به اشعار بلند حافظ و جناب مولوی مانند "چه مبارک سحری بود و چه فرخنده شبی "چگونه میتوان پذیرفت کسی اعتقاد به امامت دوازده امام علیهم السلام نداشته باشد و آنوقت نه از نظر تیوری و علمی بلکه عملاً به درک چنین حقایق و مقاماتی نایل شود مگر آنچه آنها رسیده اند تقریباً انتهای صعود یک انسان عادی نیست؟ اعتقاد واقعی به حقانیت ایمه اثنی عشر چه چیز بیشتری از اتصال انسان با چنین حقایقی و هم آوایی با ملایکه مقرب میدهد التماس دارم لطفا جواب تفصیلی و دندان شکن بدهید خیلی مورد سوال است .

متن پاسخ

باسمه تعالی؛ علیکم السلام: اشعار مولوی و حافظ سراسر حکایت از آن دارد که این بزرگان از نظر عقیدتی ولایت تکوینی ائمه «علیهم السلام» را تماماً قبول دارند و خودشان اقرار دارند که هرچه دارند از آن‌ها است، تفاوت آن‌ها با شیعیان از نظر فقهی است که عرفای اهل سنت از نظر فقهی با شیعیان متفاوت اند. کافی است به کتاب «روح مجرد» از آیت‌الله حسینی طهرانی رجوع بفرمایید در مورد تشیع مولوی و محی‌الدین آن‌جا دلایلی فرموده‌اند. همان‌طور که مرحوم علامه‌ی طباطبایی «رحمة‌الله‌علیه» فرموده‌اند «حافظ یقیناً شیعه است» کسی که می‌گوید: «حافظ» اگر قدم زنی در ره خاندان به صدق *** بدرقه رهِت شود همت شحنه نجف « می‌شود سنی باشد؟ مولوی علی «علیه السلام» را در آن حدّ تحلیل می‌کند که می‌گوید: «تو ترازوی احدخو بوده‌ای.... بل زبانه‌ی هر ترازو بوده‌ای» خودشان اقرار دارند ما هرچه داریم از اهل‌البیت است. موفق باشید .